

#لیسانس

جامعه پدیا

چند سال از ۴ سال درس خواندن برای لیسانس گرفتن در دانشگاه مفید است؟ چند واحد از درس‌ها بعد از بازار کار فایده علمی و عملی دارد؟ الان که در فاصله بین کنکور و اعلام نتیجه قرار داریم حسین سیمایی صراف، وزیر علوم در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرده است که طرح کاشی یک سال از ۴ سال کارشناسی در حال بررسی است چون ارائه این مدرک می‌تواند ۳ سال طول بکشد تا دانشجو بلافاصله وارد بازار کار شود و به جای آن مهارت آموزی کند. وزیر علوم این را گفته است که ما از سنت فرانسوی که دوره کاشی را ۴ ساله می‌داند، پیروی می‌کنیم اما با آمدن هوش مصنوعی به‌عنوان دستیار آموزشی این سؤال مطرح شده که چرا باید این دوره ۴ ساله باشد. تلاش برای کاشی دوره تحصیلی کارشناسی بیش از یک دهه سابقه دارد. اوایل دهه ۹۰ هم اعلام شده بود که با انجام تغییراتی در واحدهای درسی می‌توان دوره کارشناسی را کاهش داد.

خبرخوان

سرپرست واحد شیرشیر خشک سبازمان غذا و دارو گفته: کاشی سهمیه شیر خشک نوزادان از ۱۰ به ۴ قوطی، مربوط است به گروه سنی ۶ ماه به بالا و برای ترغیب به استفاده از غذای کمکی و شیر مادر صورت گرفته است.

رئیس سازمان ثبت احوال خبر داده که گواهی انحصار وراثت بدون نیاز به مراجع حضوری در مدت ۳۰ روز پس از ثبت فوت متوفی از طریق سامانه به وراثت و دفن ابلاغ خواهد شد.

وزیر آموزش و پرورش اعلام کرده است که وزارت آموزش و پرورش ۷۰۰ هزار بازنشسته دارد.

رئیس سازمان سنجش آموزش کشور خبر داده که نتایج نهایی آزمون سراسری سال ۱۴۰۴ نیمه اول مهر اعلام خواهد شد.

هشدار: دانش‌آموزان ضعیف را هم ثبت‌نام کنید

اصل و شرح

در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ آماری از سطح نازل معدل دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی منتشر شد. در بعضی موارد این نمرات به ۱۰ از دیک و در

اوین پلاک ۴

احوالپرسی با همسایه‌های زندان اوین ۳۵ روز بعد از بمباران

یک درخواست از قوه قضاییه

دلشان از جنگ خون است اما از سرفتی که بعد از آن برایشان اتفاق افتاد هم شوک آور بود. «شوکه بعد از حادثه از یک طرف و تخلیه ساختمان به دلیل ناپدید شدن باعث شد تا نتوانیم خیلی از وسایل باارزش خود را خارج کنیم. از بول و طلا گرفته مجموعه‌های ارزشمندی که از اغلب واحدها به سرعت رفته است» پرونده سرعت را تشکیل داده‌اند و امیدوارند با تسریع امور آسیب‌دیدگان در قوه قضاییه این پرونده‌ها با جدیت بیشتری تعیین تکلیف شوند.

زخم بر دل و خانه

بیش از ۳۰ روز می‌گذرد اما خانه‌ها دیگر خانه‌های سابق نیستند. شکاف‌هایی که بر تن و پیکرشان نشسته، اهالی‌شان را هر روز مثل شمشیر می‌کشد. اما همین خانه‌ها هنوز خانه‌امیدشان است مثل نسیم و وحید زوج هنرمندی که هنوز بعد از گذشت بیش از یک ماه از حادثه وقتی در میانه خانه در هم ریخته و ویرانشان قرار می‌گیرند مات و مبهوت قفسه آن روز را روایت می‌کنند. «از پنجره اتاق مشغول تماشا بیرون بودم. خانواده‌هایی که به امید ملاقات یا حتی آزادی عزیزانشان آمده بودند؛ در بینشان هم پدر بود و هم جوان، هم زن، هم بچه. وحید روی میل خوابیده بود. نخستین صدای انفجار که آمد با هم به سمت راهروی ورودی رفتیم. به گمان اینکه تمام شد. اما صداهای پشت سر هم تکرار شدند و سقف خانه مانند باران بر سرمان آوار می‌شد. در انتها به سرویس بهداشتی پناه

بردم. انگار قیامت شده بود در چشم به هم زدن خانه و زندگی‌مان ناپدید شد.» مهدی شهرپاری هم ساکن همین ساختمان است. خودش هم نمی‌داند آن روز خدا چه قدرتی به او داده بود که هم دختر مجروح و غرق در خونی را به بیمارستان رساند هم تعداد زیادی از مجروحان اوین را: «همسر و دختر من بمباران شدید ام اس هستند. این اتفاق که افتاد شوکی به آنها وارد شد. یکی از دخترهایم با موج انفجار به سمت در اتاق پرت شده بود و صورتش به شدت آسیب دیده بود وقتی صورت غرق خون او را دیدم دیگر نفهمیدم کجای دنیا هستم. سریعاً به سمت بیمارستان رفتم؛ این در حالی بود که نه آستانسور ساختمان کار می‌کرد نه در راه پله‌ها چراغی بود. خیابان غرق خون و پیکرهایی بود که به اطراف افتاده بود. واقعا نمی‌توانم خدا چه قدرتی به من داده بود. در شرایطی که کمرم را اسال گذاشته به‌خاطر جراحتهای قدیمی جنگ ۸ ساله جراحی کرده بودم همه این مجروحان را روی دوش می‌انداختم و به ماشینتم انتقال می‌دادم و بعد هم به بیمارستان می‌رفتم.»

فاطمه عسگری‌نیا

روزنامه‌نگار

۳۵ روز از بمباران زندان اوین گذشت. قصه این زندان و مجروحان و شهیدانش را بارها و بارها در رسانه‌ها خواندیم و شنیدیم اما کسی از آن روز به بعد از همسایه‌های اوین نگفت؛ از مردهایی که در پی اصابت بمب‌ها به اوین، خانه خراب

بعضی موارد از آن هم کمتر بود. شاید بعضی مدیران مدارس راه‌حل را در این ببینند که از ادامه آموزش دانش‌آموزان رو به سقوط خودداری کنند. شرط معدل در ابتدای ثبت‌نام یا به، شاید برای بعضی مدارس خاص صحیح به‌نظر بیاید اما دانش‌آموزان میان‌پایه‌ای که هر سال نمره کمتری می‌گیرند، چه

شدند؛ آنهایی که این روزها لایه‌لای آوار خانه‌هایشان دنبال خاطره‌های قدیمی می‌گردند. نه از حجم خاک مرده نشسته بر کف خانه، رنگ و روی قالی‌ها مشخص و نه از شدت برخورد ترکش‌های ریز و درشت، قاب عکس‌های پر خاطره برایشان سالم مانده است؛ آدم‌هایی که این روزها مجبور به ترک خانه‌های ناایمن و برای زندگی راهی هتل‌های شهر شده‌اند. صحبت از اهالی پلاک ۴ اوین است.

قیامت اوین

خیابان شهید کجویی، شهید اعرابی و شهید احمد پور، خیابان‌هایی هستند که ما را به همسایه اوین با شناسه پلاک ۴ می‌رسانند. در مسیری که می‌رویم به ظاهر زندگی عادی مردم جریان دارد اما هنوز که هنوز است خاطره‌های آن روز تلخ و کدایی این اهالی این خیابان‌ها دهان به دهان می‌چرخد: «یک لحظه اینجا جهنم شد. مرور این خاطره هنوز هم به تنمان ریشه می‌اندازد. مردم با همه وحشتی که وجودشان را گرفته بود به یاری همدیگر می‌رفتند؛ فرقی نمی‌کرد کاسب محل بودند یا رهگذر، همسایه بود یا راننده گذری. ۲ تیر، اوین قیامت شد و مردم سنگ تمام گذاشتند. خیلی از همراهمان خانواده‌های زندانیان خودروهای خود را در همین خیابان پارک کرده بودند و وقتی متوجه بمباران اوین شدند بی‌حیای به سمت زندان دویدند. مردم مجروحان جنگی را به بیمارستان می‌رسانند و صدای همه این غم‌ها هنوز توی گوش ماست» شیشه ساختمان‌ها در مسیر رفتن به اوین اکثراً شکسته است. به نزدیکی‌های در بالای اوین می‌رسیم. اینجا هنوز شکل و شمایل منطقه جنگی را دارد؛ از ساختمان‌های ویران شده اوین که نیم‌های نظامی و غیرنظامی در آن مشغول کارند تا پارکینگی که حالا جای دیوخی خودروهای خسارت‌دیده این بمباران شده است؛ خودروهایی که بعضی از صاحبان آنها هیچ وقت از اوین برنگشتند.

آوار و سیم خاردار

درست روبه‌روی این پارکینگ ساختمان پلاک ۴ قرار دارد؛ گرچه دیگر با موج انفجارهای بمباران اوین رد و نشانی از پلاک شماره ۴ نیست اما ساختمان سرچایش است با در و دیوارهای شکافته و پنجره‌هایی که یکی در میان خالی از شیشه است. در برخی از قسمت‌ها هم شیشه‌های شکسته شدت حادثه را روایت می‌کنند. از خودروهای پارک شده مقابل ساختمان در آن روز چیزی باقی نمانده؛ مانند هر دو خودروی خانواده شیخ‌الاسلامی، با اشکان شیخ‌الاسلامی یکی از ساکنان پلاک ۴ وارد ساختمان می‌شویم. وضعیت خانه سراسر آوار در همان ورودی ساختمان نشان از شدت موج انفجار دارد. ورودیمان به ساختمان همراه می‌شود با صدای خش‌خش خرده‌شیشه‌ها و سنگ‌ریزه‌هایی که از در و دیوار خانه روی پله‌های منتهی به محوطه باز ساختمان و استخر می‌رسد: «بخش قابل توجهی از نخاله‌های ساختمان را گروه‌های جهادی جمع کردند». اشکان هنگام بمباران خانه نبود اما همین که خبر را شنید خود را سریع به محل بمباران رساند: «پدرم به نازکی از کوه برگشته بود و همراه برادر کوچک‌ترم در خانه بودند.» به خانه می‌رسیم هیچ چیز جای خودش نیست نه تابلوهای ارزشمند هنری که سال‌های سال برای گروه‌آوری‌شان رنج دوران دردها و آزارش اتاق پدراروی در و دیوار ترکش‌های بمباران رد انداخته و تن‌سوزام چوبی خانه با ترکش‌های خنکی است؛ شدت انفجارها به حدی بود که سیم خاردارهای زندان اوین به داخل خانه ما پرت شده.»

این است که چرا کار باید به جایی برسد که محمد و امثال او خود را در آخر خط ببینند؟ پس فکری اصولی و اساسی برای سایر جوانان مایوس و درمانده کنید تا کار به این صحنه‌های تلخ نکشد.

آقای استاندار دائم به مرد جوان می‌گوید «محمد»، جوانی بیا یا بین، من هر کاری که از دستم بریاید، برایت انجام می‌دهم، هر مشکلی داشته باشی را حل می‌کنم. خدا را شکر محمد پایین می‌آید اما نکته

دیروز در فضای مجازی ویدئویی پریازدید شد که نشان می‌دهد استاندار خوزستان در حال گفت‌وگو با فردی است که روی پل سفید خوزستان رفته و قصد پایان دادن به زندگی‌اش را دارد. در این ویدئو

همه در ماندگان رادر بیاید

گزارش

هشتگ روز

۲۲ مدال پر افتخاری که دیده نشد

در دل روزهای گرم تابستان که در آن هم جنگ تحمیلی ۱۲ روزه را دیدیم، هم شهادت مظلومانه هموطنانمان و بعد هم قطعی بصر و آب راه گرفتن مدال‌های پیاپی دانش‌آموزان و دانشجویان ایرانی در المپیادهای علمی جهانی حکایت نوری پررنگ را داشت که لایه‌لای انبوه اخبار ناامیدکننده داخلی و خارجی گم شد و کمتر کسی آن را دید. دانش‌آموزان و دانشجویان ایرانی با وجود محدودیت‌های پروازی، خودشان را به این مسابقات رساندند و ۲۲ مدال برای ایران به ارمغان آوردند که در آن یک پیام عیان داشت که ما در هر زمان و مکانی، پرچم افتخارات علمی ایران را بالا نگه می‌داریم.

مدال‌هایی که در این ۴۰ روز نوجوانان و جوانان ایرانی از شهرهای مختلف ایران در رشته‌های ریاضی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و... کسب کردند و امکان افزایش آن در روزهای آینده به واسطه حضور تیم‌های المپیادی دیگر وجود دارد، هم طلا داشت، هم نقره و هم برنز که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. بچه‌های تیم المپیاد جهانی ریاضی، در دوران جنگ ۱۲ روزه برای این مسابقات جهانی آماده می‌شدند و به سختی تا استرالیا رفتند، خوش درخشیدند و مدال‌ها را یکی پس از دیگری درو کردند؛ دانش‌آموز رفتند و با ۲ مدال طلا، ۳ نقره و یک برنز برگشتند.

۲. دانش‌آموزان ایرانی در المپیاد جهانی ۲۰۲۵ زیست‌شناسی که در فیلیپین برگزار شد، ۲ مدال طلا و یک نقره کسب کردند.

۳. در المپیاد جهانی شیمی ۲۰۲۵ که در دوبی برگزار شد، دانش‌آموزان کشورمان ۴ مدال نقره و ۲ مدال برنز در رقابت با دانش‌آموزان ۴۰ کشور جهان کسب کردند.

۴. المپیاد جهانی دانش‌آموزی فیزیک امسال که میزبان آن فرانسه و شهر پاریس بود، ۵ مدال نقره برای ایران داشت که بیش از ۹۰ کشور دنیا در آن شرکت کرده بودند.

۵. دانش‌آموزان ایرانی در المپیاد جهانی اقتصاد که در آذربایجان برگزار شد هم شرکت کردند و در نهایت علیرضا احمدی، دانش‌آموز پایه دوازدهم از بوشهر، مدال طلای این المپیاد را گرفت.

المپیادهای جهانی هنوز ادامه دارد و دانش‌آموزان ایرانی در رشته‌های علمی دیگر مانند جغرافیا در آن شرکت خواهند کرد.

پیش‌فروش جنسیت

رواج پدیده تعیین جنسیت نوزادان قبل از بارداری که می‌تواند زنگ خطر تغییر ساختار جمعیت را به صدا در بیاورد

فرزندشان را می‌پسند. این پدیده در گذشته تنها محدود به سبک تغذیه افراد می‌شد اما الان برخی متخصصان زنان و زایمان با تکیه بر روش‌های علمی، وعده تولد نوزاد با جنسیت خاص را به خانواده‌ها می‌دهند. بعضی خانواده‌ها برای داشتن فرزند با جنسیتی که خودشان می‌خواهند، مخاطب این پزشکان هستند تا با اجرای مو به موسوی توصیه‌ها،

گزارش

لیلا شریف

روزنامه‌نگار

رواج پدیده «پسرخواهی» در کشورهای توسعه نیافته

شپلا کاظمی پورا جمعیت‌شناس: علم جمعیت‌شناسی با ارقام بزرگ سروکار دارد و برای بررسی این موضوع که آیا به دلیل تعیین جنسیت قبل از بارداری، آمارها تغییر کرده است، باید بازه زمانی چندساله را بررسی کنیم. مردم در گذشته به شکل سنتی این موضوع را پیگیری می‌کردند چرا که انسان همیشه دوست دارد سرنوشت و آینده‌اش را خود تعیین کند. حالا که از نظر پزشکی این امکان وجود دارد، برخی راضی می‌شوند که جنسیت فرزندشان را انتخاب کنند. تجربه جهانی نشان می‌دهد که بیشتر در کشورهای توسعه نیافته «پسرخواهی» رایج است.

مکت

